

مركز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی امام خمینی (ره)

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام

موضوع

طریقه‌های تصوف در افغانستان

با تأکید بر طریقه نقشبندیه

استاد راهنما

حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمد امین احمدی (دامت توفیقاته)

استاد مشاور

استاد قاسم جوادی (دامت توفیقاته)

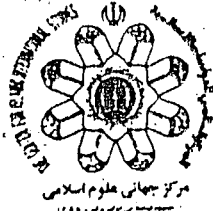
نگارش

محمد هاشم عزیزاده

سال تحصیلی ۸۴ - ۱۳۸۳

Handwritten text in a small box at the top right, possibly a library or archival stamp.

الله أكبر
الحمد لله رب العالمين
الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين
صلى الله عليه وسلم
سنة ١٢٤٥



کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۱۰۹۰
تاریخ ثبت:

مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی امام خمینی (ره)

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام

موضوع

طریقه‌های تصوف در افغانستان

با تأکید بر طریقه نقشبندیه

استاد راهنما

حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمد امین احمدی (دامت توفیقاته)

استاد مشاور

استاد قاسم جوادی (دامت توفیقاته)

نگارش

محمد هاشم عزیززاده

سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳

تقدیر و تشکر

با سپاس از ایزد منان که در همه لحظات توفیق تهیه این اثر ناچیز را به بنده عطا نمود، و از باب «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»، بر خود لازم می بینم از تلاش های دلسوزانه همه کسانی که مرا در تهیه این رساله یاری رسانده اند، خصوصاً از اساتید گرامی جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر محمد امین احمدی (استاد راهنما) و جناب استاد قاسم جوادی (استاد مشاور) که در نگارش این اثر نویسنده را راهنمایی و مساعدت نمودند، تقدیر و تشکر کنم. و همچنین از مسئولین و دست اندرکاران مدرسه عالی امام خمینی (ره) سپاسگزارم.

و نیز از عزیزان دیگری که بنده را در خلق این اثر یاری نموده اند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

تقدیم به

قطب عالم امکان
و
مرکز دایره هستی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۳	مقدمه
۳	ضرورت تحقیق
۳	پیشینه تحقیق
۴	سوالات تحقیق
۴	سوالات اصلی
۴	سوالات فرعی
۴	روش تحقیق
۴	موانع و مشکلات

فصل اول: کلیات

۷	کلیات
۷	۱- تصوف
۷	الف) تعریف لغوی تصوف
۸	ب) ریشه کلمه صوفی
۱۰	ج) تعریف اصطلاحی تصوف

۱۳	۲- عرفان
۱۴	۳- نگاهی به پیدایش واژه‌های عرفان و تصوف
۱۵	۴- رابطه عرفان و تصوف
۱۵	الف) عرفان نظری
۱۵	ب) عرفان عملی
۱۸	۵- طریقت و نسبت و آن با شریعت و حقیقت
۱۸	الف) تعریف طریقت
۱۹	ب) تعریف شریعت
۱۹	ج) تعریف حقیقت

فصل دوم: مؤسس و سلسله طریقه نقشبندیه

۲۶	الف) مؤسس طریقه نقشبندیه
۲۷	۱- ابوعلی فارمدی
۲۷	۲- خواجه یوسف همدانی
۲۸	۳- خواجه عبدالخالق غجدوانی
۲۹	الف) آثار غجدوانی
۳۰	ب) خلفای غجدوانی
۳۰	۴- خواجه بهاء‌الدین محمد نقشبند
۳۰	مقدمه
۳۱	الف) زندگی نامه بهاء‌الدین نقشبند
۳۴	ب) آثار بهاء‌الدین نقشبند
۳۴	ج) خلفاء بهاء‌الدین نقشبند
۳۵	۱- خواجه علاء‌الدین عطار
۳۵	۲- خواجه محمد پارسا
۳۶	۳- خواجه حسن عطار
۳۷	د) وجه تسمیه نقشبند

- ب) سلسله نقشبندیه ۳۹
- ۱- سلسله اولی (سلسله الذهب) ۳۹
- ۲- سلسله ثانی (علوی) ۴۰
- ۳- سلسله ثالث (صدیقیه) ۴۰
- نام‌های سلسله نقشبندیه در قرون مختلف ۴۱

فصل سوم: ویژگی‌ها و اصول طریقه نقشبندیه

- ویژگی‌ها و اصول طریقه نقشبندیه ۴۴
- الف) ویژگی‌های طریقه نقشبندیه ۴۴
- ۱- متابعت از شریعت و سنت ۴۴
- ۲- ذکر خفی ۴۵
- ۳- دنباله رو مکتب ابن عربی ۴۶
- ۴- شرکت در مسائل سیاسی و اجتماعی ۴۸
- ب) اصول طریقه نقشبندیه ۵۰
- ۱- هوش در دم ۵۰
- ۲- نظر بر قدم ۵۰
- ۳- سفر در وطن ۵۱
- ۴- خلوت در انجمن ۵۱
- ۵- یادکرد ۵۲
- ۶- بازگشت ۵۲
- ۷- نگاهداشت ۵۳
- ۸- یادداشت ۵۳
- ۹- وقوف زمانی ۵۳
- ۱۰- وقوف عددی ۵۳
- ۱۱- وقوف قلبی ۵۴

فصل چهارم: نحوه انتشار طریقه نقشبندیه در افغانستان

۵۶	نحوه انتشار طریقه نقشبندیه در افغانستان
۵۹	نکات

فصل پنجم: مشایخ نقشبندیه در افغانستان

۶۴	بخش اول: مشایخ نقشبندیه تا قرن دهم
۶۴	مقدمه
۶۴	۱- یعقوب چرخى
۶۵	آثار چرخى
۶۶	۲- سعدالدین کاشغرى
۶۶	۳- خواجه عبیدالله احرار
۶۹	آثار احرار
۶۹	۴- عبدالرحمان جامى
۷۲	آثار جامى
۷۲	۵- عبدالغفور لارى
۷۳	آثار لارى
۷۳	۶- ملا حسین واعظى کاشفى
۷۵	۷- فخرالدین على واعظ کاشفى
۷۹	۸- خواجه محمد باقى بالله
۷۹	آثار باقى بالله
۸۱	بخش دوم: نقشبندیان مجددی بعد از قرن دهم
۸۱	۱- شیخ احمد سرهندي
۸۱	مقدمه
۸۲	الف) زندگى نامه شیخ احمد سرهندي
۸۳	ب) آثار شیخ احمد سرهندي
۸۴	ج) اصلاحات شیخ احمد سرهندي

- ۸۶ د) خلفای شیخ احمد سرھندی
- ۸۷ ۲- محمد معصوم سرھندی (عروة الوثقی)
- ۸۹ ۳- خواجه محمد صبغة الله
- ۹۰ ۴- شاه غلام محمد معصوم ثانی
- ۹۱ ۵- شاه عزت الله
- ۹۲ ۶- پیر محمد صادق
- ۹۲ ۷- شاه غلام محمد مجددی
- ۹۴ ۸- شاه صفی الله مجددی
- ۹۶ آثار شاه صفی الله
- ۹۶ ۹- شاه غلام نبی
- ۹۷ ۱۰- محمد فضل الله مجددی
- ۹۷ ۱۱- میان عبدالباقی
- ۹۸ ۱۲- میر احمد مجددی
- ۹۹ ۱۳- فضل محمد مجددی (شمس المشایخ)
- ۱۰۰ ۱۴- فضل عمر مجددی (نور المشایخ)
- ۱۰۲ بخش سوم: نقشبندیان غیر مجددی بعد از قرن دهم
- ۱۰۲ مقدمه
- ۱۰۲ ۱- میر غیاث الدین غیاثی
- ۱۰۳ ۲- سعدالدین انصاری
- ۱۰۳ آثار سعدالدین انصاری
- ۱۰۴ ۳- محمد گل کوهاتی
- ۱۰۵ ۴- فقیر الله جلال آبادی
- ۱۰۵ آثار جلال آبادی
- ۱۰۶ ۵- حبیب الله قندهاری
- ۱۰۷ آثار حبیب الله انصاری

- ۶- میر واعظ کابلی ۱۰۷
- ۷- میر محمد معصوم ۱۰۹
- ۸- میر حاجی ۱۱۰
- ۹- الفت کابلی ۱۱۱
- ۱۰- صوفی صاحب ۱۱۱
- ۱۱- عنایت بدخشی ۱۱۱
- ۱۲- رکین ۱۱۱
- ۱۳- محمد عثمان پادخوابی ۱۱۲
- ۱۴- جانان هوتک ۱۱۲
- ۱۵- غلامی (غلام محی الدین) ۱۱۳
- ۱۶- محمد حسین سلجوقی ۱۱۳
- ۱۷- عبد الخالق بیتاب ۱۱۴
- الف) تألیف ۱۱۴
- ب) ترجمه ۱۱۴

فصل ششم: خانقاه‌های نقشبندیه در کابل

- خانقاه‌های نقشبندیه در کابل ۱۱۶
- مقدمه ۱۱۶
- الف) طریقه‌های تصوف در کابل ۱۱۷
- ۱- طریقه نقشبندیه ۱۱۷
- ۲- طریقه قادریه ۱۱۷
- شجره طریقه قادریه ۱۱۹
- ۳- طریقه چشتیه ۱۱۹
- شجره طریقه چشتیه ۱۲۱
- ۴- طریقه سهروردیه ۱۲۲
- شجره طریقه سهروردیه ۱۲۳

۱۲۴	ب) خانقاه‌ها
۱۲۴	تعریف خانقاه
۱۲۴	۱- خانقاه پهلوان
۱۲۵	۲- خانقاه علاء‌الدین علیا
۱۲۷	۳- خانقاه واصل آباد
۱۲۸	۴- خانقاه میر واعظ کابلی
۱۲۸	۵- خانقاه مرشد گلابی

فصل هفتم: جمع بندی و نتیجه گیری بحث

۱۳۱	جمع بندی و نتیجه گیری
۱۳۱	تطور تاریخی طریقه نقشبندیه
۱۳۱	۱- دوره شکوفایی طریقه نقشبندیه
۱۳۲	۲- دوره فترت و افول نقشبندیان
۱۳۳	۳- دوره احیاء مجدد نقشبندیه
۱۳۵	ویژگی های دوره احیاء مجدد
۱۳۵	۱- افت علمی
۱۳۶	۲- موروئی شدن
۱۳۶	۳- وابستگی به دربار شاهی
۱۳۶	سخن پایانی

ضمائم

۱۳۹	الف) مصاحبه ها
۱۳۹	۱- مصاحبه با گل آغا جان
۱۴۵	۲- مصاحبه با عبدالصبور مسکین چشتی
۱۴۹	۳- مصاحبه با شهید مل
۱۵۱	ب) جزوات

۱۵۱	مقدمه.....
۱۵۱	۱- در مورد تصوف.....
۱۵۴	۲- چهارده خانواده اهل طریقت.....
۱۵۶	۳- شاخه‌های طریقت تصوف در کابل.....
۱۵۶	۱-۳- سلسله نقشبندیه بنوریه شریف.....
۱۵۸	۲-۳- سلسله نقشبندیه مجددیه معصومیه شریف.....
۱۵۹	۳-۳- سلسله شطاریه شریف.....
۱۶۰	۴-۳- سلسله چشتیه شریف.....
۱۶۲	۵-۳- سلسله نظامیه شریف.....
۱۶۳	۶-۳- سلسله سهروردیه شریف.....
۱۶۴	۷-۳- سلسله زیریه.....
۱۶۵	۸-۳- سلسله دوم از قادریه.....
۱۶۷	۹-۳- سلسله قادریه شریف.....
۱۶۹	۴- مهدی موعود.....
۱۷۱	ج) شجره‌نامه‌ها.....
۱۷۱	۱- شجره‌نامه طریقه نقشبندیه.....
۱۷۲	۲- شجره‌نامه حضرات مجددی سند و افغانستان.....
۱۷۳	منابع و مؤاخذ.....

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

چکیده

یکی از طریقه‌های رایج در افغانستان، طریقه نقشبندیه است. این طریقه منسوب به خواجه بهاءالدین است، اما این طریقه پیش از وی نیز وجود داشت و بنام طریقه خواجه‌گانیه یاد می‌شد و در زمان خواجه بهاءالدین نقشبند به جهت نفوذ معنوی و اجتماعی وی و همچنین به جهت اصلاحات وی در این طریقه، بنام وی منسوب گردید. بنابراین طریقه نقشبندیه یک فرایند است تا وضع و تأسیس.

این طریقه جزو گروه‌های معتدل و میانه‌رو به حساب می‌آید، حفظ آداب شریعت و دوری از بدعت اساس این طریقه را تشکیل می‌دهد و نقشبندیان ارتباط با حکام را نه تنها جایز بلکه واجب می‌دانند.

این طریقه بعد از خواجه بهاءالدین نقشبند، گسترش زیاد یافت و خصوصاً در زمان خواجه عبیدالله احرار و جامی به اوج شهرت و شکوفایی رسید و هرات و سمرقند به عنوان دو مرکز نقشبندیان در آمدند و به علاوه به عنوان یک جریان فعال سیاسی و اجتماعی نیز مطرح گردید و در زمینه‌های مختلف نقش مؤثری ایفاء نمود.

این طریقه از همان آغاز شکل‌گیری‌اش در افغانستان رواج یافت و در اکثر تحولات سیاسی و اجتماعی افغانستان نقش داشته‌اند. و سه دوره مختلف را در افغانستان طی کرده‌اند:

۱- دوره شکوفایی:

اوج شکوفایی و پویایی آن در قرن هشتم و نهم بود و بسیاری از هنرمندان و شعرا و علماء این دوره به این طریقه متمایل بودند و افرادی مانند جامی و سعدالدین کاشغری جزو مشایخ نقشبندیه به حساب می‌آیند. در این دوره در عرفان نظری پیرو مکتب ابن عربی بودند.

۲- دوره فترت:

این دوره از اوایل قرن دهم هجری آغاز می‌شود و تا پایان قرن دوازدهم ادامه می‌یابد.

۳- دوره احیاء مجدد:

بعد از احیاء مجدد نقشبندیه در هند، توسط شیخ احمد سرهندی، این طریقه دوباره توسط نوادگان وی در اواخر قرن دوازدهم هجری در افغانستان ترویج می‌شود. در این دوره، خاندان مجددی به عنوان جریان فعال سیاسی و اجتماعی نیز مطرح می‌گردند و در بسیاری از تحولات و جریان‌های افغانستان دخالت مستقیم دارند.

مهم‌ترین افراد این خاندان در افغانستان عبارتند از: شاه صفی‌الله مجددی، میان عبدالباقی، شمس‌المشایخ مجددی، نورالمشایخ مجددی و ابراهیم مجددی.

مقارن با احیاء مجدد نقشبندیه در افغانستان، اشخاص دیگری نیز به عنوان مشایخ نقشبندیه ظهور می‌نمایند که از جهت علمی و معرفتی مقام بالاتری از مجددیان داشتند، اما بسیاری از این افراد در مسائل سیاسی و اجتماعی کمتر درگیر بودند.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه

ضرورت تحقیق:

طریقه نقشبندیه یکی از طریقه‌های پر نفوذ و مؤثر جریان تصوف در جهان اسلام است، این طریقه در زمان خواجه ابوعلی فارمدی و خواجه عبدالخالق غجدوانی پدیدار شد و در زمان خواجه بهاءالدین نقشبند در قرن هشتم هجری قمری تکمیل یافت. این طریقه از همان آغاز شکل‌گیری، در گوشه گوشه جهان اسلام نفوذ پیدا کرد و نقش بس مهمی را در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی ایفاء نمود.

افغانستان یکی از کشورهایی است که از همان آغاز شکل‌گیری آن به عنوان یک جریان فعال و تأثیرگذار ظهور نمود و نقش مهمی در زمینه‌های مختلف عصر خویش داشت. اما تا به حال در باب این طریقه در افغانستان پرداخته نشده است، با اینکه سیطره نفوذ آن در افغانستان بیش از سایر کشورها بوده است و بیشترین نقش را در زمینه‌های مختلف داشته است. اکنون نیز نسبت به سایر طریقت‌ها بیشترین نفوذ و نقش را دارد و بسیاری از علما و ادبا و شعرای اهل سنت که به تصوف منتسب هستند، به این طریقه ارادت دارند. بنابراین ضرورت بحث درباره این طریقه و تحلیل و بررسی آن غیر قابل انکار است.

پیشینه تحقیق:

درباره طریقه نقشبندیه تاکنون تحقیقات مستقلی صورت نپذیرفته است و فقط در لابلای برخی کتب مربوط به تاریخ افغانستان و همچنین در ضمن برخی از مقالات، به این موضوع به طور پراکنده اشاراتی می‌یابیم. بنابراین می‌توان گفت که رساله حاضر، اولین پژوهش مستقل در این مورد به حساب می‌آید. هر چند به دلیل کمبود منابع و اطلاعات لازم در این زمینه، به تمام زوایای آن پرداخته نشده است، و بیشتر به یک تحقیق گزارش گونه می‌ماند تا یک پژوهش و تحلیل همه جانبه.

سؤالات تحقیق:**سؤالات اصلی:**

- ۱- طریقه نقشبندیه چگونه در افغانستان انتشار یافت؟
- ۲- طریقه نقشبندیه چه جایگاه و نقشی در افغانستان داشته است؟
- ۳- مشایخ نقشبندیه در افغانستان چه کسانی بوده‌اند؟

سؤالات فرعی:

طریقه نقشبندیه چگونه شکل گرفت؟ چه زمانی در افغانستان انتشار یافت؟ مروجین آن چه کسانی بوده‌اند؟ چه فراز و فرودهایی را در افغانستان از آغاز تا کنون طی کرده‌اند؟ آیا این طریقه صرفاً یک نظام طریقتی است یا اینکه بعد علمی و معرفتی آن نیز مطرح بوده است؟ و اگر چنین است نظام معرفتی و علمی آن چیست؟ آیا در افغانستان این نظام معرفتی همواره ثابت مانده است یا اینکه دچار افت و تحولات شده است؟

نقشبندیان در قبال مسائل سیاسی و اجتماعی چه موضعی داشتند؟ طرز تلقی آنان از شریعت چگونه بوده است؟ آیا متابعت از شریعت را در طریقت لازم می‌دانند یا خیر؟ نقش آنان در مسائل سیاسی و اجتماعی چگونه بوده است؟ و فعلاً جایگاه این طریقه در افغانستان چگونه است؟ و...

اینها نمونه سؤالاتی هستند که این پژوهش درصدد پاسخ دادن به آنها می‌باشد، به برخی از این سؤالات پاسخ روشن و مشخص داده شده است و به برخی از آنها به دلیل کمبود منابع لازم و جدید بودن این پژوهش پاسخ چندان روشنی داده نشده است.

روش تحقیق:

در این رساله از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است، اما روش میدانی آن به دلیل وجود مشکلات و موانع و کمبود فرصت کم رنگ‌تر به نظر می‌آید.

مشکلات و موانع تحقیق:

وجود موانع و مشکلات برای این نوع پژوهش‌ها امر طبیعی و معمولی است اما اینجانب با مشکلات خاصی روبرو بودم، برای اینکه:

اولاً: با کمبود شدید منابع روبرو بودم و اصلاً یک منبع مستقل در این زمینه وجود نداشت؛ به همین جهت به کتب و مقالات گوناگون که احتمال وجود یک مطلب می‌رفت، مراجعه نمودم، ولی مطلب قابل توجه و

درخور استفاده نیافتم، به برخی از کتاب‌ها و مقالاتی که تا حدی با موضوع رساله مرتبط بودند، با وجود مراجعه به کتابخانه‌ها و اشخاص، نتوانستم بدانها دست یابم.

ثانیاً: در مسافرت‌هایی که برای بنده به افغانستان پیش آمد، نیز چندان راهگشا نبود، زیرا طرفی با افراد آگاه و آشنای به این موضوع کمتر برخورد نمودم و کتابخانه‌های کابل نیز مشکلات خاص خودش را دارد و از طرف دیگر به برخی از اشخاص هم به عللی نتوانستم دسترسی پیدا کنم. از همه مهم‌تر اینکه این مسافرت در زمانی پیش آمد که تا هنوز یک طرح کلی از موضوع رساله، در ذهن بنده ترسیم نشده بود، به همین جهت، به بسیاری از زوایای آن بی‌توجه بودم.

اما با وجود چنین مشکلات و مشکلات دیگر، به برخی از خانقاه‌های کابل مراجعه نمودم که در این مراجعات حضوری به طور معمول دیدار با پیر و بزرگ خانقاه میسر شد و نیز با چند تن از آنان مصاحبه صورت گرفت که برخی از آنها را در این رساله تحت عنوان ضمائم آورده‌ام. همچنین به برخی از جزوات و منابع جدید دست یافتم و جزواتی را مدیریت خانقاه‌ها در کابل، در اختیار بنده قرار داد که مجموع اینها یک طرح کلی از موضوع را در ذهنم ترسیم نمود تا اینکه سرانجام به این مرحله رسیدم.

محمد هاشم علیزاده

فصل اول

کلیات

کلیات:

بحث دربارهٔ طریقه‌های تصوف، ضرورت یک سلسله مباحث مقدماتی از قبیل واژه شناسی و تعریف واژه‌های کلیدی را می‌طلبد. از آنجا که موضوع نوشتار حاضر، دربارهٔ طریقه نقشبندیه در افغانستان می‌باشد، در آغاز لازم است، به اختصار در مورد دو واژه کلیدی؛ یعنی «تصوف» و «طریقت»، بحث صورت گیرد، چون این دو واژه یعنی «تصوف» و «طریقت» معرّف اصلی و بنیادی طریقهٔ نقشبندیه به عنوان یک گروه صوفیانه است. گرچه واژه‌های زیادی از قبیل خانقاه، خرقه، زاویه، سماع و... وجود دارد که پرداختن به همه آنها ما را از اصل موضوع باز می‌دارد. اما در کنار بحث از تصوف و طریقت، بحث دربارهٔ تعریف عرفان و نسبت آن با تصوف و همچنین رابطه و تفاوت طریقت با شریعت و حقیقت نیز ضروری می‌نماید، برای اینکه:

اولاً: تعریف دقیق تصوف و داشتن درک درست از آن بستگی به شناخت و تعریف عرفان دارد و همچنین برعکس.

ثانیاً: در ذهنیت اکثر افراد مرزهای تصوف و عرفان دقیقاً مشخص نیست و بسیاری تصوف و عرفان را یکی دانسته و عده‌ای هم آن‌دو را کاملاً متضاد و متناقض هم می‌دانند به این معنا که از تصوف بیشتر بار منفی در ذهن‌ها تداعی می‌شود و از عرفان بار مثبت تلقی می‌شود. بنابراین ضرورت دارد که نسبت و رابطهٔ تصوف با عرفان مشخص گردد، تا جایگاه طریقهٔ نقشبندیه نیز معین گردد که آیا این طریقه در حیطهٔ تصوف جای دارد و یا در حیطهٔ عرفان، یا اینکه در هر دو ساحه جای دارد؟

ثالثاً: در بحث طریقت، بحث رابطه و تفاوت آن با شریعت و حقیقت رانیز می‌طلبد، برای اینکه از یک طرف فهم درست و بهتر از طریقت، متوقف بر دو اصطلاح شریعت و حقیقت است و از طرف دیگر در مباحث اصلی این رساله، دانستن این نکته لازم به نظر می‌آید که آیا طریقهٔ نقشبندیه متابعت شریعت را در طریقت لازم می‌داند یا خیر؟ لذا طرح بحث رابطهٔ طریقت با شریعت و حقیقت لازم به نظر می‌رسد.

۱- تصوف:

الف) تعریف لغوی تصوف: